

کردهای سوریه، وضعیت‌شناسی و افق سیاسی

محمد رضا عبدالله پور *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 1، پیاپی 69، بهار 1396؛ صفحات 113-95

تاریخ دریافت: 1396/02/15 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/02/30

چکیده

مناطق کردنشین سوریه یکی از متغیرهای تأثیرگذار در بحران سوریه در سال‌های اخیر بود که محل تعارض بسیاری از کنشگران محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌شد. در این راستا، احزاب کرد در شمال سوریه و در قلمرو مناطق کردنشین با تقویت توان نظامی و مدل خودگردانی محلی توانستند خود را یک نیروی اثرگذار در حیات سیاسی منطقه نشان دهند. خلق و ایجاد گفتمان ملی‌گرایانه و تبدیل آن به یک گفتمان ژئوپلیتیکی، این واحد جغرافیایی را به یک کنشگر قابل اعتنا برای میدان‌ها و خرده‌میدان‌های مستقر در بازی بحران سوریه تبدیل کرده است. این تحقیق، ضمن واکاوی و جریان‌شناسی کردها در فضای بحران سوریه با روشی از تحلیلی - توصیفی و با استعانت نظریه هویت و سرزمین در پی نشان دادن کنش هویت‌خواهانه و ژئوپلیتیکی کردهای سوریه در مناطق شمالی این کشور و مبنای نظری، فضاهاى تجزیه شده و ناسیونالیسم سرزمینی کردهای سوریه است.

واژگان کلیدی

مناطق کردنشین سوریه، هویت، گفتمان ژئوپلیتیکی کردهای سوریه، عوامل منطقه‌ای، حزب کارگران کردستان ترکیه

مقدمه

بحران در سوریه باعث نقش‌آفرینی کردهای این کشور در سالیان اخیر شده است. در این راستا کردها با خوانش جدیدی از هویت مغفول کردی در قرن بیستم در پی اعاده گفتمان هویتی و تبدیل آن به یک گفتمان سرزمینی در مناطق شمال سوریه هستند. نیم قرن مبارزه کردهای سوریه در صفوف جنگجویان حزب کارگران کردستان ترکیه و استفاده از مدل‌های نظامی و سیاسی این حزب، از کردهای سوریه، یک تشکل قوی هویت‌طلب به وجود آورد که می‌توان آنها را زیرسیستم حزب کارگران کردستان در سوریه نامید. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی ذاتاً سرزمینی محسوب می‌شود (Anderson, 1988: 18). با این نگاه، ناسیونالیسم پایگاه اصلی گفتمان‌های ژئوپلیتیکی از طریق سازه‌های قلمرویی است. ویلیام اسمیت بر این اعتقادند که ناسیونالیسم، مبارزه‌ای همیشگی برای کنترل سرزمین است. در راستای تبیین و تعمیق گفتمان هویتی و سرزمینی کردهای سوریه می‌توان به چهار تقاضای اصلی شورای ملی کرد از شورای ملی سوریه بعد از اسد اشاره کرد که شامل موارد زیر می‌شوند:

- تمرکززدایی سیاسی و الزام حکومت مبتنی بر سوریه چندفرهنگی، چندزبانی و چندقومیتی؛

- دولت سکولار؛

- تصدیق قانون اساسی به مشکلات پیش روی کردها، رفع تبعیض، محکوم نمودن تعریب سرزمین‌های کرد و الحاق قلمروهای تاریخی کردها به آنان و محکوم نمودن موج تغییرات دموگرافیک به ضرر کردها؛

- تصدیق حق کردها برای خودمختاری و تصمیم برای همه‌پرسی ملی کردها در لوای حاکمیت سرزمینی سوریه (Weiss, 2012: 19).



تبارشناسی شورش کردها پس از بحران سوریه

در مارس سال 2017 که شورش در سوریه و به طور مشخص شهر درعا شروع شد، جوانان کرد با شورش پیوسته و سازمان‌های کردی نیز با معترضین عرب هم‌آوا شدند (Zisser, 2014). البته بیشتر جریان‌های کردی در این بازه زمانی سکوت کردند؛ زیرا احزاب کردی به علت سازه‌های عربی - اسلامی این اعتراض، نسبت به آن مظنون بودند. در پاسخ به سکوت کردها، رژیم سوریه، قانون منع مالکیت و فروش زمین به کردها را لغو کرد (Tojel, 2014: 226). احزابی از کردها که با صراحت به مخالفت با رژیم اسد و حمایت از اپوزیسیون عرب می‌پرداختند، شامل حرکت آینده، اتحاد و حزب آزادی بودند که بیشتر گرایش به حزب دموکرات کردستان عراق داشتند (Allosop, 2015: 197). در این زمان با اختلاف بر سر هویت عربی سوریه که توسط شورای ملی سوریه (SNC) بر آن پافشاری می‌کرد و شورای ملی کردها (KNG) که توسط بارزانی حمایت و هدایت می‌شد، کردها از حمایت از اعتراض جنبش دست کشیدند (Allosop, 2015: 199 and Pollock, 2012: 76).

شورای ملی کردها برای اولین بار، اکثریت کردها را با متحد کرد که اولین رهبر آن عبدالحکیم بشار، رهبر حزب دموکرات کردستان سوریه بود. مأموریت شورای ملی کرد، یافتن یک راه‌حل معطوف به صلح برای مشکل کردها در چارچوب سوریه متکثر و دموکراتیک در زمانی بود که تأکید شورا، بودن در شورش و امتناع هرگونه مذاکره با رژیم اسد بود (Hossin, 2012:4-5). حزب اتحاد دموکراتیک به‌عنوان اصلی‌ترین حزب کردی در سوریه در این شکل قرار نگرفت و در عوض به تقویت پایگاه‌های خود در مناطق کردنشین پرداخت. با بازگشت صالح مسلم به‌عنوان دبیر کل حزب اتحاد دموکراتیک و به مدد قدرت نظامی حزب که متأثر از حزب کارگران کردستان ترکیه بود، این حزب هژمونی خود را در مناطق کردنشین به سایر احزاب نشان داد. در ژانویه 2014 و متأثر از تفوق حزبی، حزب اتحاد دموکراتیک، انقلاب غرب کردستان با هدف اجرای یک سیستم سیاسی فدرال مبتنی بر خودگردانی و

نظام کاتتونی آغاز شد. این نظام خودگردان از لحاظ ایدئولوژیکی با مفهوم کنفدرالیسم دموکراتیک که توسط رهبر حزب کارگران کردستان توسعه یافته بود، منطبق بود. این سیستم ضمن رد، امحا و انکار سیستم دولت - ملت، خواهان نظام و ساختار خلق - ملت محور است (Gunter, 2014:65).

نظام کنفدرالیسم دموکراتیک یک دموکراسی استقرایی و از پایین به بالا است. با پیروزی چشمگیر حزب اتحاد دموکراتیک در نبرد کوبانی علیه داعش، موج حمایت‌های عرب از کردهای سوریه به‌عنوان یک متحد شروع شد و تلاش‌های ترکیه که درصدد ارتباط بین تروریستی نشان دادن حزب کارگران کردستان و حزب اتحاد دموکراتیک بود، به شکست انجامید. ایدئولوژی کنفدرالیسم دموکراتیک، توسعه ناسیونالیسم یا دستور کار قومی نیست؛ بلکه اهمیت این ایدئولوژی در نشان دادن جذب متحدان خارجی و گروه‌های قومی غیرکرد به‌عنوان قسمتی از انقلاب کردستان و کسب مشروعیت خودمختاری این مناطق است. با این نگاه، صورت‌بندی نیروهای نظامی چندملیتی زیر نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک با زعامت کردها تشکیل شد و رئیس‌جمهور آمریکا نیز دستور تسلیح این نیروها را در می 2016 صادر کرد. نمایندگان دیپلماتیک در چندین کشور اروپایی، توجه کشورهای اتحادیه را به حمایت از کردها معطوف کردند؛ مضاف بر این دیاسپورای کرد نیز نقش مهمی را در پیوند میان حزب اتحاد دموکراتیک و فعالین سیاسی اروپا ایفا کرد.

تا زمانی که به نظر می‌رسد حزب اتحاد دموکراتیک، جوامع غیرکرد را در حیات سیاسی شمال سوریه در برمی‌گیرد، روابط بین حزب اتحاد دموکراتیک و شورای ملی کردها هنوز بی‌نهایت هیجان‌زده است. شورای ملی کردها نقدهای اساسی مانند نگاه توتالیتراًبانه، ذوب در ایدئولوژی اوجالان و جلوگیری از نصب پرچم پان‌کردیسم بر حزب اتحاد دموکراتیک وارد می‌کنند. در عوض حزب اتحاد دموکراتیک، این ادعاها را رد و شورای ملی کردها را به کارشکنی در



توسعه سیاسی کردستان سوریه متهم می‌کند (ARAnews, 14/8/2016). این تناقض داخلی بین کردهای سوریه، همیشه قسمتی از دخالت کنشگران خارجی بود؛ به نوعی که می‌توان گفت یک جنگ نیمه‌نیابتی در کردستان سوریه در جریان است.

شورای ملی کردها، عامل حزب دموکرات کردستان عراق و حزب اتحاد دموکراتیک، عامل حزب کارگران کردستان ترکیه هستند. دو دلیل اصلی که بر استقلال هویت کردهای سوریه در خلال جنگ داخلی سوریه تأثیر گذاشته، عقب‌نشینی رژیم سوریه از نواحی کردنشین و ترک قلمرو شمال سوریه و ظهور گروه‌های تروریستی و مشخصاً داعش است که هم‌زمان دشمن کردها و جامعه بین‌المللی بود. این دلایل باعث پیوند بیشتر کردها با جامعه و ائتلاف بین‌المللی در مبارزه داعش شد. مضاف بر این گفتمان، حزب اتحاد دموکراتیک در خصوص حق زنان، پلورالیسم و دموکراسی مدنی و فدرالیسم، این واحد هویتی - سرزمینی را به‌عنوان جزء لاینفک واقعیت سیاسی جدید در آینده فدراسیون سوریه نشان داده است.

تنش بین گروه‌ها و احزاب کرد سوریه، یکی از چالش‌های بزرگ خودمختاری کردها در سوریه است؛ به طوری که تنش موجود میان حزب اتحاد دموکراتیک و شورای ملی کردها، نه پدیده‌های داخلی بلکه عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نیز درگیر خود کرده است. علاوه بر این، فعالین کردستان سوریه طرفدار یک دموکراسی لیبرال و حقوق بشری و در جست‌وجوی حمایت میان روشنفکران غربی و نهادهای حکومتی هستند (sofie, 2017, 18).

فضاهای تجزیه‌شده و ناسیونالیسم سرزمینی کردهای سوریه

توجه به مقوله فضا به‌عنوان یک سرمایه استراتژیک در نگاه پست‌مدرن، اولویت سیاست‌گذاری جغرافیایی کشورها است. بنابراین رصد فضاهای آنارشیک قومی -

سرزمینی، قسمت مهمی را در سیاست‌های ژئوپلیتیکی کشورها ایفا می‌کند. در تنقیح فضای تجزیه شده باید گفت این فضاها، نتیجه دولت ملت‌های شکننده خاورمیانه‌ای حاصل از مرزهای تصنعی خاورمیانه‌ای است که مرزهای هویتی ناپایداری دارند. کولوسف و اولوگلین ضمن این‌که از شبه‌دولت‌ها به‌عنوان منادیان ژئوپلیتیک پست‌مدرن به جهت گفتمانی بودن آن یاد می‌کنند بر این باورند که حفره‌های تاریک شبه‌دولت‌ها (pseudo state) غالباً در محل تلاقی میان امپراطوری‌های سابق و تمدن‌ها و همچنین نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگی‌های خاص قومی دارند، رخ می‌دهند (Kolosov and O'Loughlin, 1998b: 56).

فضاهای تجزیه شده خاورمیانه دارای ابعاد مذهبی ژئوپلیتیک نیز هستند. دیجینگ معتقد است مذهب و ژئوپلیتیک با یکدیگر در هم آمیخته‌اند و بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به‌مثابه سرزمین مقدس و جنگ‌های مقدس جلوه‌ای از یک ویژگی ژئوپلیتیک است (Dijing, 2006: 192). خاورمیانه به‌عنوان نمود این تحول و خیزش اسلامی رادیکال و قلمروخواهی در بستر خود همواره هم‌پوشانی مذهبی و ژئوپلیتیکی را با خود به همراه دارد. بنابراین ترکیه با اتصال ابعاد قومی، مذهبی و ژئوپلیتیکی در پی عملیاتی کردن گفتمان ژئوپلیتیک خود در فضاهای تجزیه‌شده خاورمیانه است.

از نظر تحلیلی، سازه‌های نمادین فضا، قلمرو سرزمینی و مرزها مبتنی بر دیالکتیک بین دو زبان، زبان همگرا و زبان تفاوت است و در حالی که زبان همگرا با هدف همگن‌سازی محتوای آگاهی فضای جمعی و تجربیات است، تلاش زبان تفاوت، تمایز این تجارب همگن‌ساز از دیگران است (passi, ibid).

چارچوب تحلیلی برای اشکال همگرایی و تمایز در قلمرو فضایی - اجتماعی

	Here	there
we	همگرا در قلمرو سرزمینی	همگرایی مرزی
other	تمایز در قلمرو سرزمینی	تمایز بین ما و دیگران



کردهای سوریه به مثابه سوژه ژئوپلیتیک

می‌توان از کردهای سوریه و مشخصاً حزب دموکراتیک سوریه به‌عنوان سوژه ژئوپلیتیکی جدید در خاورمیانه شمالی نام برد؛ زیرا به‌دنبال فروپاشی ساختار نه ساختار جدید بلکه عامل انسانی یا کارگزار در میدان بازی کنشگری می‌کند، حالتی که از آن به موقعیت سوژگی و سوژگی سیاسی یاد می‌شود. موقعیت سوژگی به احاطه گفتمان هژمون (ساختار ژئوپلیتیک) بر سوژه‌ها و اضمحلال آزادی عمل ایشان در درون نظام معنایی گفتمان اشاره دارد. از این رو از آنجا که گفتمان حاکم، هویت‌ها و روابط اجتماعی و همه‌چیز را تعیین می‌کند و در نتیجه هویت سوژه نیز در درون گفتمان معین می‌شود (عبدالله‌پور و دیانت، 1395: 70).

مفهوم سوژگی سیاسی (کارگزاری ژئوپلیتیک) روی دیگر سکه است که در آن، افزایش بی‌قراری‌های اجتماعی موقعیت یک گفتمان را در معرض تزلزل و زوال قرار می‌دهد، سوژه به‌عنوان عامل سیاسی یا کارگزار دست به عمل سیاسی می‌زند و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش می‌طلبد و نظم مورد نظر خود را بر جامعه و گفتمان حاکم می‌سازد. در این موقعیت، سوژه از آزادی اراده و استقلال برخوردار است. در این شرایط آنومیک، سوژه‌ها (کارگزار) برای گفتمان (ساختار) تصمیم‌سازی می‌کنند و خلاقیت، نوآوری و اسطوره‌سازی سوژه‌ها از ورای هژمونی و هیمنه گفتمان ظهور می‌یابد. بنابراین در این نگاه، کارگزارهای ژئوپلیتیک با به چالش کشیده شدن ساختارهای ژئوپلیتیک، دست به کنشگری می‌زنند و در لحظه کسوف ساختارها نه ساختارهای جدید بلکه کارگزارهای جدید ژئوپلیتیک به‌وجود می‌آیند (عبدالله‌پور و دیانت، 1395: 70).

کنشگران غیردولتی خاورمیانه به‌عنوان سوژه‌های ژئوپلیتیک به‌دنبال تحولات خاورمیانه شمالی بر لبه‌های متزلزل ساختارهای ژئوپلیتیک ایجاد شدند و به‌عنوان کنشگران فعال، ساختار و موقعیت سوژگی ژئوپلیتیک ساختارهای گفتمانی حاکم را

دچار چالش‌های اساسی کردند. به عبارت دیگر، زمانی که گفتمان‌های مسلط ژئوپلیتیک دچار ضعف می‌شود، زمینه ظهور سوژه ژئوپلیتیک و مفصل‌بندی‌های جدید فراهم می‌گردد. در واگرایی گفتمان‌های ژئوپلیتیک که توأم با آشوب ژئوپلیتیکی است، سوژه ژئوپلیتیک با احساس بحران سرزمینی تلاش می‌کند از طریق مفصل‌بندی جدید و تعیین هویت با گفتمانی متفاوت، هویت، سرزمین و فضا-مکان خود را بازسازی کند (عبدالله‌پور و قادری، 1394: 146). این کنشگران غیردولتی با توجه به نکات گفته شده و با مفصل‌بندی جدیدی از هویت، سرزمین، تاریخ و اسطوره‌ها بعد منطقه‌ای را در دستور کار سیاسی خود قرار داده‌اند.

ناسیونالیسم یک ایدئولوژی ذاتاً سرزمینی محسوب می‌شود (Anderson, 1988: 18). با این نگاه، ناسیونالیسم، پایگاه اصلی گفتمان‌های ژئوپلیتیکی از طریق سازه‌های قلمرویی هستند. ویلیام و اسمیت بر این اعتقادند که ناسیونالیسم، مبارزه‌ای همیشگی برای کنترل سرزمین است و از غفلت دانشگاهی دانشگاهیان از سازه‌های ملی سرزمین انتقاد می‌کنند (Viliam & Smith, 1982: 502). گرچه ناسیونالیسم معمولاً پیگیری خودمختاری ملی تعریف شده است، ولی در تعاریف غنی‌تر، یک طرح اقدام جمعی برای ارائه مرزهای یک کشور و سازگار با واحدهای حکمرانی تبیین می‌گردد (Hechter, 2000: 7). از منظر گفتمانی نیز ناسیونالیسم یک عمل گفتمانی دولت - ملت که در یک قلمرو مستقل و متجانس با سرزمین ملی است، در نظر گرفته می‌شود (عبدالله‌پور، 1395). واژه سرزمین ملی نشان می‌دهد که هویت‌های ملی، مفاهیمی نسبتاً مشتق از قلمرو و حس قوی ملت‌ها را برای یک قلمرو خاص نشان می‌دهند (White, 2000: 28).

در سیستم بین دولتی مدرن، قلمرو دولت ملت‌ها عملاً در مطابقت با قلمروهای مستقل تحدید می‌گردد. بنابراین فهم این‌که چگونه سازه‌های سرزمین ملی با قلمروهای مستقل و در فرآیند سازه‌های قلمرویی هویت ملی و منافع دولت مرتبط هستند، مهم است. همچنین ارتباط بین عناصر اساسی در ارتباط بین



گفتمان‌های کد و بینش ژئوپلیتیک توسط سازه‌های قلمرویی صورت‌بندی می‌شوند. باید توجه داشت یک حاکمیت دولت ملت، تنها با دولت‌بودگی محقق نمی‌شود (Kuss & Agnew, 2008). در حقیقت، ماهیت مشروط دولت‌ها آشکار می‌کند که سازه‌های دولت ملت‌ها برای هویت و منافع‌شان در یک منطق فضایی سیستم بین‌دولتی درگیر هستند (murphy, 2002, 194). از سویی این ایده که دولت‌های مستقل، سوژه‌های خودمختار سیاست بین‌الملل هستند، متکی بر این فرض است که مشروعیت دولت‌ها مشتق از ملت یا مردم است (yach, 2001). حاکمیت مردمی نیز استدلال می‌کند که دولت‌ها اربابان قلمرو و مردم، اربابان دولت هستند. همان‌طور که مورفی اشاره می‌کند سازه‌های تاریخی ملت‌بودگی و دولت‌بودگی باید به‌وسیله مطالعاتی که تمرکز خود را بر سازه‌های هویتی دارند، تکمیل شود (murphy, 2002). بنابراین باید نشان داد چگونه ناسیونالیسم، یک گفتمان ژئوپلیتیکی را برای دولت‌های ضعیف از طریق سازه‌های قلمرویی به‌وجود می‌آورد.

درباره کنش هویتی و مبارزاتی کردهای سوریه باید عنوان کرد که جنبش «خویبون» به‌عنوان یک حرکت ملی‌گرایانه پیش‌تاز که در کردستان ترکیه به‌وجود آمد، در کردستان سوریه شکل گرفت و سپس به صورت یک خیزش در مناطق کردنشین ترکیه عملیاتی شد. شورش‌های متقدم کردهای سوریه با هدف ورود به میدان بازی در عراق و ترکیه و به نسبت بسیار کم در خود سوریه بوده است. به‌طور مثال، صدها کرد سوری به‌عنوان نیروی پیشمرگه در دهه 80 و 90 میلادی در کردستان عراق و تحت لوای حزب دموکرات کردستان عراق به خدمت گرفته شدند (Tajel, 2014: 73). طبق آمارها حدود هفت تا ده هزار کرد سوری از ابتدای شورش حزب کارگران کردستان ترکیه کشته شدند. بنابراین هر گونه حرکت ملی‌گرایانه در کردستان سوریه به دلایلی مانند فضاهای تجزیه‌شده و غیرکرد میان مناطق کردنشین، سرکوب کردها و امنیتی بودن فضای این مناطق،

معطوف به مناطق کردنشین عراق و ترکیه شد.

در راستای تبیین و تعمیق گفتمان هویتی و سرزمینی کردهای سوریه می‌توان به چهار تقاضای اصلی شورای ملی کرد از شورای ملی سوریه بعد از اسد اشاره کرد که شامل موارد زیر هستند:

- تمرکززدایی سیاسی و الزام حکومت مبتنی بر سوریه چندفرهنگی، چندزبانی و چندقومیتی؛
- دولت سکولار؛

- تصدیق قانون اساسی به مشکلات پیش روی کردها، رفع تبعیض، محکوم نمودن تعریب سرزمین‌های کرد و الحاق قلمروهای تاریخی کردها به آنان و محکوم نمودن موج تغییرات دموگرافیک به ضرر کردها؛

- تصدیق حق کردها برای خودمختاری و تصمیم برای همه‌پرسی ملی کردها در لوای حاکمیت سرزمینی سوریه (Weiss, 2012, 19).

در ژانویه 2012، به دلیل امتناع شورای ملی سوریه از مطالبات کردها، تعامل بین این دو شورا از بین رفت (Hossino, 6) و زمانی مشکلات بیشتر شد که شورای ملی سوریه و برهان غلیون، رئیس شورا واژه ملت کرد را انکار کردند.

عوامل فرامنطقه‌ای

در خصوص بحران و کنشگری در مناطق کردنشین سوریه که به شدت بر متغیرهای دیگر در آینده سوریه تأثیرگذار است، باید چهار سطح فراساختار، ساختار، کارگزار و زیر- کارگزار را در ظرفه‌ای جدا از یکدیگر تحلیل کرد؛ به طوری که علاوه بر میدان‌های متعارضی مانند ترکیه، خرده‌میدان‌های متعارض مانند اعراب سنی و انشقاق بین گروه‌های کردی از مهم‌ترین عوامل تنش‌زا در منطقه شمال سوریه هستند. واکنش ترکیه نسبت به هرگونه هویت‌خواهی کردها، مهم‌ترین عامل بازدارنده برای کردهای سوریه برای هرگونه اقدام است. واکنش و

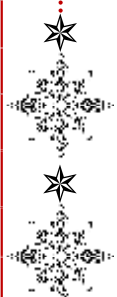


حساسیت ترکیه درباره کردها به اندازه‌ای قابل ملاحظه است که حتی دو فراساختر روسیه و آمریکا نیز مجبور هستند ملاحظات ترک‌ها را برای هرگونه سیاست‌گذاری در مورد کردها در نظر بگیرند. مقامات ترکیه بارها اعلام کرده‌اند که PKK معادل YPG است (Erdoğan, Hurriyet, 19 October 2014). در این راستا، ترکیه سه انتظار از PYD دارد:

- همکاری نکردن با رژیم اسد؛
- عدم تشکیل یک دولت دوفاکتو در شکل مذهبی یا قومی؛
- تعهد کردهای سوریه برای امنیت مرزهای ترکیه.

بنابراین به‌علت عدم تحقق مطالبات فوق، حمایت جامعه بین‌المللی از PYD ترکیه نه از طریق نیروی نظامی، بلکه از طریق یک سیاست خصومت‌آمیز و آنتاگونیستی برای مقابله با کردهای سوریه رفت (Tas, 2015). از این منظر می‌توان گفت ترکیه، کردهای سوریه را تهدیدی بیشتر از داعش برای امنیت ملی خود می‌داند (gunter, 2015: 106).

خیزش حزب کارگران کردستان به‌طور حتم مهم‌ترین عامل در نضج ناسیونالیسم کرد در سوریه بوده است؛ به‌طوری که مهم‌ترین منطقه برای جذب جنگ‌جویان PKK از مناطق کردنشین سوریه محسوب می‌شد. مبارزین کرد سوری در سال 2003، حزب اتحاد دموکراتیک سوریه یا PYD را با دو هدف فرار از سرکوب دولتی توسط حکومت اسد و حمایت از سمپات‌ها و حامیان PKK در کردستان سوریه به‌وجود آوردند که به‌نوعی زیر-سیستم PKK در کردستان سوریه و علیه ترکیه و بارزانی بود. از طرف دیگر، حزب دموکرات کردستان عراق به ریشه قدیمی، زیر سیستم طرفدار خود را در کردستان سوریه به‌عنوان KNC به‌وجود آورد که در مقابل PYD قرار گرفت؛ به‌نوعی که می‌توان آینده کردستان سوریه را در تقابل دو زیر-سیستم PYD و KNC مشاهده کرد. با تأسی از نظریه دیالکتیک ساختار-کارگزار (عبدالله‌پور و متقی، 1394: 80) می‌توان گفت دو



حزب اتحاد دموکراتیک و شورای ملی کردها به ترتیب کارگزاران احزاب مادر یعنی حزب کارگران کردستان ترکیه و حزب دموکرات کردستان عراق هستند. رقابت بین حزب کارگران کردستان ترکیه و حزب دموکرات کردستان عراق ریشه‌های ایدئولوژیک دارد؛ در حالی که مانیفست حزب کارگران بر پایه مارکسیسم-لنینیسم است، فلسفه حزبی، حزب دموکرات، بر پایه نظام عشیره‌ای و محافظه‌کارانه بنا نهاده شده است، تا جایی که می‌توان گفت این دو حزب در منطقه شمال عراق و مناطق کردنشین سوریه و ترکیه، مجری و عامل دو پارادایم رقیب در ناسیونالیسم کردی بوده‌اند. اگرچه حزب کارگران از مرام مارکسیستی خود فاصله گرفته همچنان علیه نظام عشیره‌ای بارزانی است. آمریکا هم‌سو با منافع اسرائیل از گزینه‌هایی مانند سوریه منسجم و سوریه با اسلام سیاسی در هراس است و برای گسست در این نحله‌ها با نگاهی ابزارگرایانه در کوتاه‌مدت از کردها دفاع می‌کند. بنابراین در حال حاضر یک دموکراسی سکولار و تعمیق شکاف‌های قومی گزینه مطلوب آمریکا در سوریه است؛ اما خوانش سیاست روسیه در سوریه و مشخصاً مناطق کردنشین، بعد ژئوپلیتیکی دارد که علاوه بر فشار علیه ترکیه توسط کردها خواهان دسترسی آسان به سواحل مدیترانه‌ای و منطقه شامات است.

ملاحظات	متغیرهای درگیر در بحران شمال سوریه	سطوح تحلیل
برقراری دموکراسی سکولار بی‌اسد	- آمریکا	فرا ساختار
برقراری دموکراسی سکولار با اسد (کوتاه مدت)	- روسیه	
ماندن اسد، مخالفت با واگرایی سرزمینی	- ایران	ساختار
حمایت از رفتن اسد و بالا رفتن وزن مؤلفه سنی	- ترکیه	
برقراری ساختار کنفدرال	- حزب کارگران کردستان ترکیه	کارگزار
برقراری ساختار فدرال بر پایه مدل KRG	- حزب دموکرات کردستان عراق	
زیر سیستم PKK و حامی کانتون‌های خودمختار	PYD	زیر کارگزار
حامی برکناری اسد و زیر سیستم بودن برای بارزانی	KNC	

کد و برندسازی ژئوپلیتیک کردستان سوریه

مناطق کردنشین سوریه به‌عنوان یکی از مناطق ناشناخته و بکر در مزوپوتامیای کردی به‌دنبال بحران داخلی در سوریه، تشکیل کانتون‌های خودمختارکردی و انقلاب «رژوآوا» یا منطقه شمال سوریه که وارد ادبیات مطالعات منطقه‌ای شده، در حال حاضر بخش مهمی از تعارضات سرزمینی و هویتی را در سوریه تشکیل داده است که این تعارض را می‌توان علاوه بر متغیر داخلی، مولود سیاست‌های عوامل فرامنطقه‌ای مانند ترکیه، روسیه و آمریکا دانست. درباره ترکیه باید عنوان کرد همه سیاست‌های ترکیه در سوریه، ابعاد کردی دارد؛ زیرا هرگونه گشایش سیاسی و بسط ژئوپلیتیکی کردهای سوریه در طول سیاست‌های حزب کارگران کردستان ترکیه، کردهای ترکیه و بزرگ‌ترین خط قرمز امنیتی ترکیه است (عبدالله‌پور، 1394).

دو کنشگر فرامنطقه‌ای یعنی روسیه و آمریکا نیز کردستان سوریه و نقش آن در سوریه با اسد و بی اسد را یک عامل نفوذ در منطقه می‌دانند. بنابراین این واحد جغرافیایی جدید در پی قلمروخواهی و اتصال بین کانتون‌ها و فضاهاى تجزیه شده خود است. این موضوع نیاز به برجسته‌سازی و یک برندینگ جغرافیایی دارد که رسانه‌های جمعی کرد توانسته‌اند این برند را با استفاده از گفتمان هویتی و سرزمینی و با شاخص‌های هویتی، سمبلیک و دیاسپورای کرد در اروپا به‌منصب ظهور برسانند. مدل برندسازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک و پیش‌شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیکی و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی از شبه‌دولت‌ها یا ساختارهای دو فاکتو ترسیم کند (عبدالله‌پور، 1396).

فراموش نکنیم مدل برندسازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیکی دولت ملت‌های ضعیف علیه ساختار و کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی

و سرزمینی رخ می‌دهد. کردها دومین گروه زبانی مهم در سوریه هستند. منابع عربی، جمعیت کردها را تنها حدود 5 درصد جمعیت سوریه می‌دانند (<http://syriapop.wordpress.com>)؛ در حالی که ملی‌گرایان کرد این جمعیت را 20 درصد می‌دانند. مک داوول 8 درصد و بروینسن نیز 8 درصد را در آمارهای خود ذکر کرده‌اند (Bruinessen 1992, 15).

از منظر جغرافیایی، جمعیت کردها در سه منطقه جدا از هم یعنی عافین، کوبانی و جزیره است. از این تعداد 30 درصد در عافین، 10 درصد در کوبانی و 40 درصد در جزیره هستند (Gambill, 2014). خلأ بین این سه منطقه، یکی از چالش‌های اساسی کردهای سوریه است، به طوری که فاصله بین عافین و کوبانی 140 کیلومتر و فاصله بین کوبانی و جزیره 160 کیلومتر است. گروه‌های قومی کرد نیز بین این مناطق، ساکن هستند. جمعیت اصلی کردها در سوریه در استان‌های حسکه و حلب و نواحی شهری مانند دمشق، ساکن و جمعیت قابل ملاحظه‌ای نیز در زیر مناطقی مانند عامودا، قحطانیه، مالکیه و درباسیه وجود دارند. در استان حلب، تقریباً 40 درصد کردهای سوریه در استان حلب که بالغ بر 4 میلیون جمعیت دارد، زندگی می‌کنند. ساکنان کرد در این استان که دارای 32 شهر و 1453 روستا است، 15 درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند (<http://www.alp-city.org>). کردها در قسمت شمالی استان و در منطقه عافین و زیر منطقه کوبانی زندگی می‌کنند. به علاوه در شهر حلب و در دو محله اشرفیه و شیخ مقصود نیز برتری جمعیتی کاملاً با کردها است.

شهر عافین زیرمنطقه و 263 روستا دارد که علاوه بر اکثریت جمعیت کرد، دارای اقلیتی از اعراب و ترکمن‌ها نیز است (<http://tirejafrin.com>). شهر کوبانی نیز در تقسیمات جغرافیایی در استان حلب قرار دارد. کوبانی دارای 100 روستا، 200 هزار نفر جمعیت و بالغ بر 90 درصد جمعیت کرد است (<http://en.firatajans.com>). در این منطقه، قبیله برازی که در دو سوی مرز اسکان دارند، قوی‌ترین تشکل را تشکیل می‌دهند (Tajel, 2008, 10). استان حسکه که



استان کردنشین دیگری در سوریه است، در شمال شرق سوریه و همسایگی ترکیه و عراق واقع شده است. این استان دارای چهار منطقه حسکه، مالکیه، قامشلو و رأس‌العین و 16 زیر منطقه است. منابع عربی، تعداد کردها را 30 درصد جمعیت استان می‌دانند (<http://www.zengil.net/web/?p=18341>)، گرچه کردها این آمار را جعلی می‌پندارند و بر این اعتقادند که با توجه به جمعیت زیاد 700 روستای کردنشین، جمعیت غالب استان از آن کردها است و اقلیتی از اعراب مهاجر نیز در این استان وجود دارند.

شهر قامیشلی، بزرگ‌ترین شهر کردها در سوریه بوده که دست‌کم 70 درصد جمعیت شهر را کردها تشکیل می‌دهند. قامیشلی دارای سه زیرمنطقه به نام عامودا، تل حمیس و قحطانیه بود که بزرگ‌ترین تجمع کردها در عامودا است. از تحلیل مناطق و زیرمناطق کردنشین در سوریه می‌توان مضایق ژئوپلیتیک / -دموگرافیک کردها را در سه مورد زیر تشریح کرد:

- عدم پیوستگی قلمرو جمعیتی مناطق کردنشین؛
- وجود جمعیت قابل ملاحظه غیرکرد در مناطق مورد مناقشه؛
- حضور نیمی از کردهای سوریه در مناطق خارج از سه منطقه اصلی کردها در حلب و دمشق.

با این حال، سوژگی ژئوپلیتیکی جدید کردها با تکیه بر هویت برند، اجرا، کارکرد و مؤلفه‌های آنان مانند ارزش‌ها، نماد، ساختار حکمرانی، هویت، اسطوره‌ها و ادعای قلمرویی درصدد برندسازی ژئوپلیتیکی و سرزمینی خود هستند (عبدالله‌پور و قادری، 1394). برندسازی ژئوپلیتیک اولویت اساسی کارگزاران است. همان‌طور که عنوان شد، حفره‌های تاریک شبه‌دولت‌ها (pseudo state)، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوری‌های سابق و تمدن‌ها و نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگی‌های خاص قومی را دارند، رخ می‌دهند (Kolosov, 1998b:56 and O'Loughlin, 1998b:56). بنابراین در ابتدای امر، برندسازی ژئوپلیتیک، رکن رکن کدسازی ژئوپلیتیکی کارگزاران

ژئوپلیتیک است. استنتاج بحث فوق، اثبات دیگری برای هر دو مؤلفه است. برای شبه‌دولت‌ها و کارگزاران ژئوپلیتیک با توجه به شکننده بودن بعد سرزمینی و هویتی ساختارگریز، تبیین و تفسیر این کدها مشکل است؛ ولی با توجه به ضعف ساختارها و شناور بودن کدهای ژئوپلیتیکی، درصدد تعریف و عملیاتی کردن کدهای ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف می‌باشد. بنابراین دولت ملت‌های ضعیف، منافعشان را از طریق گفتمان‌های هویتی و برندسازی ژئوپلیتیک در فضاهای تجزیه شده در تعامل و تقابل با سایر کدها جلو می‌برند؛ زیرا کدهای ژئوپلیتیک مانند گفتمان‌ها پایدار نیستند و همواره از دال به مدلول در حال حرکت هستند.

مدل برندسازی ژئوپلیتیک کردستان سوریه

کارکرد	اجرا	هویت برند
<ul style="list-style-type: none"> - بسیج حامیان و متحدان (کوردایه تی و غرب) - مرعوب کردن رقبا - تغییر قلمرو 	<ul style="list-style-type: none"> - ساختار حکمرانی (مدل کنفدرالیسم یا فدرالیسم) - قدرت نظامی (YPG & YPJ) - منابع (انرژی، آب و گاز) - ابزارهای ارتباطاتی (ماهواره، مطبوعات، دیاسپورا) 	<ul style="list-style-type: none"> - چشم‌انداز (موجودیت کردها و انقلاب غرب کردستان) - ارزش‌ها (تاریخ، هویت، زبان، نژاد) - نمادها (پرچم، سرود و...) - اشخاص برند (گریلا و YPG) - تصویرسازی از دشمن (تعارض با اسلام سیاسی) - ادعای قلمرویی (موجودیت کانتون‌های کردی)

عوامل تأثیرگذار بر کدهای ژئوپلیتیکی کردهای سوریه

منطقه‌ای	ملی	محلی
<ul style="list-style-type: none"> - تعامل با ساختارهای ژئوپلیتیک ترک / عرب - ناسیونالیسم فرهنگی کردها - گفتمان ژئوپلیتیک (از توروس تا زاگرس) - تولید فضا 	<ul style="list-style-type: none"> - فدرالیسم یا کنفدرالیسم دموکراتیک (کوتاه مدت) - استقلال (بلند مدت) - بسط ژئوپلیتیک و اتصال سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین به یکدیگر - سازه قلمرویی کردها در شمال سوریه 	<ul style="list-style-type: none"> - هژمونی حزبی در تقابل با احزاب مرتبط با بارزانی - عوامل نمادین فرهنگی کردها - نضج قدرت اندیشه‌ای و قدرت مادی کردها

نتیجه‌گیری

بدون شک مانند بحران عراق که کردهای این کشور برندگان بحران‌های هویتی و



ژئوپلیتیکی بودند، در سوریه نیز کردهای این کشور خود را به‌عنوان یک هویت مستقل و یک واحد جغرافیایی مطرح کرده‌اند؛ به‌طوری که منطقه‌ای با عنوان کردستان سوریه در نقشه‌های جغرافیایی ظاهر و ساختارها و فراساختارها نیز مجبورند که ملزومات این واحد ولو کوچک، ژئوپلیتیکی را در سیاست‌های خود در نظر بگیرند. کردهای سوریه با پیوند هویت و سرزمین، گفتمان پرقدرتی را در شمال سوریه به‌وجود آورده‌اند که از آنها کنشگری فعال را خلق کردند که برای بسیاری از کشورها قابل احترام هستند. همان‌طور که عنوان شد ناسیونالیسم یک ایدئولوژی ارضی است و کردهای سوریه در این راستا در پی قلمروخواهی سرزمینی و اتصال مناطق کردنشین جدا از هم در سوریه هستند. شاید بتوان اصلی‌ترین عامل تعارض در آینده سوریه را علاوه بر چگونگی ساختار سیاسی سوریه، حل مناطق تجزیه شده، مناطق ترکیبی، موج‌های جدید دموگرافیک و تعارض بین اعراب سنی یا قبایل بدوی با کردها دانست. نظام آتی سوریه در هر شکل و شمایلی بی‌اسد یا با اسد، فدرال یا کنفدرال تا مدت‌ها صحنه تعارض قومی، هویتی و جغرافیایی است و نه تنها عرصه رقابت ساختارهای ژئوپلیتیکی است، زیر - سیستم‌های هویتی را نیز درگیر می‌کند.

عربستان و ترکیه به‌عنوان دو مدل حکمرانی متفاوت بانفوذ در جمعیت اهل تسنن این کشور، بزرگ‌ترین تهدید علیه کردها هستند؛ در حالی که سیاست‌های آمریکا و روسیه در قبال کردها نیز سیاستی تناقض‌نما است. بنابراین کردهای سوریه، نگران از متغیرهای مذکور چشم به آینده نامعلومی دارند که این آینده را به‌طور حتم خودشان نمی‌توانند رقم بزنند. جغرافیایی شکننده، نفوس محدود، عدم حمایت کشورهای منطقه، مذهب متفاوت، زاویه شدید ترکیه و عدم همراهی کردهای عراق همگی از عواملی هستند که نگاه کردهای سوریه را علاوه بر ظرفیت محدود کردستان سوریه به عوامل فرامنطقه‌ای به‌رغم سیاست‌های متعارض آنها معطوف نموده است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- عبدالله پور، محمدرضا و رحیم قادری (1394)، سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین‌النهرین شمالی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام.
- عبدالله پور، محمدرضا و محسن دیانت (1395)، دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه، تهران: انتشارات کلک سیمین.
- عبدالله پور، محمدرضا (1396)، همه‌پرسی استقلال کردستان عراق، برندسازی ژئوپلیتیک، همشهری دیپلماتیک، تیر و مرداد.
- عبدالله پور، محمدرضا و افشین متقی (1394)، دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه با تأکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق، فصلنامه مطالعات سیاسی.

منابع لاتین

- Allsopp, Harriet (2015): The Kurds of Syria. Political Parties and Identity in the Middle East. I.B. Tauris.
- ARA News: <http://aranews.net/>
- Gunter, Michael M. (2014): Out of Nowhere. The Kurds in Syria in Peace and War. Hurst & Company.
- Tejel, Jordi (2014): "Toward a Generational Rupture within the Kurdish Movement in Syria?" in: Ofra Bengio (ed.): Kurdish Awakening. Nation Building in a Fragmented Homeland. University of Texas Press.
- Zisser, Eyal (2014): "The Kurds in Syria: Caught between the Struggle for Civil Equality and the Search for National identity" in: Ofra Bengio (ed.): Kurdish Awakening. Nation Building in a Fragmented Homeland. University of Texas Press.
- sofie.Anne(2017), the kurds of Syria, royal Danish defence college
- Pollock, David, "Syria's Kurds Unite against Assad, but Not with Opposition", The Washington Institute for Near East Policy, July 31, 2012.
- Hossino, Omar, Tanır, İlhan (March 2012). "The Decisive Minority: The Role of Syria's Kurds in the Anti-Assad Revolution," A Henry Jackson Society Report, 4-5.
- Weiss, Michael, "Syrian Kurd Leader: Revolution Won't Succeed Without Minorities", Interview with Dr. Abdulhakim Bashar, Chairman of the Kurdish National Council, The Atlantic, January 20, 2012.
- Paasi, A. (2011). A border theory: An unattainable dream or a realistic aim for border scholars? In D. Wastl-
- Perspectives from the Austrian-Slovakian border region. In N. Adams, G. Cotella, & R.



Nunes (Eds.),

- O Tuathil, Gearoid & Agnew, John (1992), geopolitics & discourse, practical geographical reasoning in American policy, political geography, vol. 11, no. 2
- Kuus, M., and Agnew, J. (2008) *Theorizing the State Geographically: Sovereignty*,
- Dijkink, G. 1998. Geopolitical codes and popular representations. *GeoJournal*
- Dijkink, Gertjan (1998), *Geopolitical Codes and Popular Representations*, *GeoJournal*, 46, pp. 293-299.
- Vladimir Kolossov and John O'Loughlin (1998a) *Pseudo-states as harbingers of a post-modern geopolitics: The example of the Trans-Dniester Moldovan Republic*
- Kolossov, V. and O'Loughlin, J. (1998b) 'New Borders for New World Orders. Territorialities at the Fin-de-Siecle', *GeoJournal*, Minneapolis, MN: University of Minnesota press
- Kolossov, V. and O'Loughlin, J. (1999) 'Pseudo-States as Harbingers of a New Geopolitics: The Example of the Trans-Dniestr Moldovan Republic', in D. Newman
- Murphy, A. B. 2002. *National claims to territory in the modern state system: geographical*
- Kuus, M., and Agnew, J. (2008) *Theorizing the State Geographically: Sovereignty*, Hechter, Michael: *Containing Nationalism*. Oxford University Press, 2000.
- McDowall David, *The Kurds, Minority Rights Group 1996*, updated seventh edition Published December 1996
- Bruinessen Martin Van, Agha, Shaikh and State: *The Social and Political Structures of*
-] Gambill Gary C., *The Kurdish Reawakening in Syria* http://www.meforum.org/meib/articles/0404_s1.htm retrieved 26 May 2014
- ANF, *The development and course of the battle for Kobanê*, <http://en.firatajans.com/news/news/the-development-and-course-of-the-battle-for-kobane.htm#.U8EoAaUjFIE>.twitter retrieved 15 July 2014
- Tejel Jordi, *Syria's Kurds: History, Politics and Society*, Routledge, 2008, p 10
- Sykes Mark, *Journeys in North Mesopotamia (Continued)*, *The Geographical Journal*, Vol. 30, No. 4 (Oct., 1907), pp. 384-398
- Ayn al-Arab District, http://en.wikipedia.org/wiki/Ayn_al-Arab_District, retrieved October 2013
- Haninke Augin K., *The Assyrians and Kurdish Autonomy in Syria*, <http://aina.org/releases/20130819193827.htm>, retrieved 5 September 2013.

